

در سراسر ایران معلمان زندانی شده اند

درفش کاپوایی

بیست هفتم آذرماه هشتاد و شش

گزارش دیدبان حقوق بشر فعال در ایران در خصوص برخوردهای گسترده با اعتراضات صنفی معلمان جنبش مستقل معلمان این روزها سخت ترین دوره ی تاریخ خود را می گذرانند، برخورد های همه جانبه و سرکوب معلمانی که با تجمعات مسالمت آمیز تنها به تقاضاهای صنفی خود پرداخته بودند زخمی عمیق بر پیکر علم و تعلیم نشانند که باید در نظر گرفت دیگر نمی توان توقع داشت که این فاجعه ای که در جامعه ی ما در جلوی چشم همه ی ما افتاد از خاطره ها پاک شود چرا که این معلمان بودند که ثانیه های خود را به پای فرزندانمان می ریختند و آنها بزرگ می شدند اما حالا این معلمی که جایگاهش در بخش والد ذهن تاریخ سازان فردای ما، گاهی با جایگاه «پدر و مادر» پهلو می زند زخمی در صدایش دارد و داغی بر دل.

بارها مجامع معتبر حقوق بشر دنیا و گزارش گران بدون مرز یا مستقل این جریان سرکوب را محکوم کرده اند، به عنوان مثال در اول آوریل ۲۰۰۷ سازمان دیده بان حقوق بشر بازداشت معلمان همدانی و ممنوعیت فعالیت انجمن معلمان همدان را به عنوان یکی از ۳۴ انجمنی که تحت حمایت شورای ملی معلمان است را به شدت محکوم کرد اما بی هیچ تغییری بازداشت ها تا صدور حکم در سراسر کشور ادامه پیدا کرد و نهایتا ۲۱ نفر از این معلمان به زندان فرستاده شدند، معلمان با سابقه با معلمان حق التدریسی و بی تجربه جایگزین می شوند. سازمان دیده بان حقوق بشر گفته بود: «قدغن کردن فعالیت های انجمن معلمان همدان و بازداشت اعضای آن نشان دهنده نادیده انگاری آشکار و ننگین دولت از قوانین خود و تعهدات دولت نسبت به قوانین حقوق بشر بین المللی است». در سوم ماه مارس، معلمان تجمع مسالمت آمیزی را در جلوی مجلس ایران در اعتراض به نادیده انگاری وضعیتشان توسط دولت آغاز کردند. این تجمعات در طی دو هفته پس از آن ادامه یافت. معلمان در دیگر شهرها همچون کرمانشان، زنجان، واردبیل نیز همزمان تجمعاتی را برای نشان دادن همبستگی خود با معلمان مرکز برگزار کردند. در روز چهاردهم مارس، پلیس شورش و ماموران امنیتی در میان تجمع حضور پیدا کردند و صدها تن از هزاران معلمی که در این تظاهرات حضور داشتند را در جلوی مجلس ایران دستگیر کردند. مقامات امنیتی پس از مدتها همه زندانیان را آزاد کردند. اگرچه، دولت به آزار و اذیت معلمانی که در انجمن های حرفه ای شان فعال هستند ادامه می دهد. در یک مرحله برخورد شدیدی که با معلمین صورت گرفت موجب صدور احکام سنگینی شد که بصورت یکجا و به عنوان یک بمب خبری خروجی بسیاری از خبرگزاری ها را به خود اختصاص داد، این احکام فقط در تهران و مشهد عبارت بودند از:

احکام صادر شده برای معلمان تهران توسط دادگاه انقلاب اسلامی

- ۱- علی اکبر باغانی ۵ سال حبس / ۲- محمود بهشتی ۴ سال حبس / ۳- علی صفر منتجبی ۴ سال حبس / ۴- حمید پور وثوق ۴ سال حبس / ۵- محمد تقی فلاحتی ۴ سال حبس / ۶- محمدرضا رضایی ۳ سال حبس / ۷- نورالله اکبری

۴ سال حبس / ۸- کریم قشقاوی ۳ سال حبس / ۹- علیرضا اکبری ۲ سال حبس / ۱۰- رسول بُدّاقی ۲ سال حبس /
۱۱- محمد خاکساری دادگاه ایشان به ۱۷ آذرماه ۸۶ موکول شده/ ۱۲- محمود باقری دادگاه ایشان به ۲۲ آبانماه ۸۶
موکول شد / ۱۳- علیرضا هاشمی ۵ سال حبس تعزیری / ۱۴- محمدداوری ۵سال حبس تعزیری قابل تبدیل به جریمه
ی نقدی ۵ میلیون تومان / ۱۵- علی پور سلیمان دادگاه ایشان برای بارسوم به آینده موکول شده است.

احکام صادرشده از طرف دادگاه انقلاب مشهد برای معلمان خراسان

۱- هادی لطفی ۴ ماه حبس تعلیقی برای ۳سال/ ۲- حسن رجبی ۴ ماه حبس تعلیق برای ۳سال - محروم از
احرازپست ستادی برای مدت ۴ سال / ۳- ایرج تویبهای نجف آبادی کاهش یک گروه شغلی برای مدت ۲ سال / ۴-
مهندس خواستار بازنشستگی زود هنگام با کاهش یک گروه شغلی توسط هیات بدوی.

اعتراضات معلمان با اجرائشدن لایحه نظام هماهنگ پرداخت و وضعیت معیشتی معلمان توسط دولت مانند کبریتی
که در انبار کاغذ افتاده باشد شعله کشید و فراگیر شد، و معلمان در سراسر کشور در شهرهای زنجان، کرمانشاه،
رشت، اصفهان، اردبیل، مریوان، میانه، شیراز، شهر رضا، سبزوار و چندین شهر دیگر در مقابل ادارات آموزش و
پرورش تجمعات اعتراض آمیز برگزار کردند، در پایتخت نیز در جلوی مجلس شورای اسلامی به تحصن پرداختند،
در این تجمع علی اکبر باغانی، دبیرکل کانون صنفی معلمان و محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی این کانون به
همراه علیرضا هاشمی، دبیرکل سازمان معلمان ایران، محمد داوری و علی پورسلیمان از اعضای شورای مرکزی
سازمان معلمان، در میان بیش از ۲۰ تن از معلمانی هستند که دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

همزمان بیش از سه هزار تن از معلمان، روز پنجشنبه ۱۷ اسفند، برای سومین بار در هفته ، و پنجمین بار در یک
ماه ، در مقابل مجلس شورای اسلامی، تجمع اعتراض آمیزی برگزار کردند. دستگیری معلمان از ساعات نخستین
نیمه شب آغاز و تا بامداد روز پنج شنبه ادامه داشت. خانواده معلمان بازداشت شده گفته اند که ماموران از نشان دادن
حکم قضایی به بازداشت شدگان خودداری کرده و در مواردی از تهدید و زور استفاده کرده اند. پس گرفتن این لایحه
توسط دولت ابتدای حرکتی بود که تا این لحظا ادامه پیدا کرده و به عناوین مختلف موجب به دستگیری های متعدد در
سراسر کشور شده است مثلا اخیراً دادگاه انقلاب شهر سنندج، طی احضاریه ای یکی از فرهنگیان سنندج به نام حمید
ساعدی را احضار کرد. اتهام این فرهنگی سنندجی و نویسنده کرد، اقدام علیه امنیت ملی عنوان شده است. به حکم
دادگاه انقلاب اسلامی آقایان علی اکبرباغانی رئیس کانون صنفی معلمان ایران- تهران و نورالله اکبری عضو هیات
مدیره ی این کانون هرکدام به ۵ سال حبس محکوم شدند. حبس نامبردگان برای مدت ۵ سال به تعلیق افتاد.

همچنین رسول بُدّاقی عضو هیات مدیره ی کانون صنفی معلمان ایران- تهران به حکم هیات بدوی شهرستانهای استان
تهران به دوسال کسر حقوق به میزان ۱ گروه شغلی (ماهان ۴۵ هزار تومان) محکوم شد.

فشار همه جانبه بر روی معلمان کشور بسیار زیاد است چندی پیش نیز خبر دردناکی مبنی بر خودکشی یک معلم
شنیده شد، صبح روز جمعه ۶ مهر ماه یک معلم با نام "حسن خضری" خود را در منزلش در شهر "ربط" به
دارآویخته و جانش را از دست داد،

بصورت کلی قابل ذکر است که ۳۹ معلم انفصال از خدمت داشته اند و تا کنون تعداد معلم های تبعیدی به ۱۶ نفر
رسیده است. پرونده ۲۲۶ معلم در تخلفات اداری در انتظار حکم است و ۲۶۸ نفر نیز در قوه قضاییه پرونده دارند که

برای بخشی از آنها منع تعقیب صادر شده و برای تعدادی دادگاه تشکیل خواهند داد. مدیرکل دفتر هماهنگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش گفته: حدود ۲۲۶ پرونده در کل کشور در ارتباط با تجمعات اخیر معلمان تشکیل شده است.

از طرف دیگر محمود بهشتی لنگرودی مسئول سابق کانون صنفی معلمان تهران چهارشنبه دوم خرداد ۸۶ راهی دادگاه انقلاب گردید. بهشتی که بارها بخاطر دفاع از حقوق آموزش و پرورش احضار، تهدید و زندان شده است، در اسفند ماه گذشته همراه شمار بسیاری از معلمان عدالت خواه راهی بند ۲۰۹ زندان اوین شده و با قید وثیقه آزاد شده بود. با این حال مجدداً احضار گردید و نهایتاً حکمی که برای ایشان صادر شد به شرح زیر بوده: در خصوص اتهام آقای محمود بهشتی لنگرودی دادر بر اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت کشور، با توجه به گزارشات سازمان اطلاعات استان تهران و اقرار صریح متهم و حضور فعال در تجمعات غیر قانونی و نقش هدایتی او در کانون و شورای غیر قانونی هماهنگی تشکل های صنفی کشور و ایراد سخنرانی های متعدد و نقش آنها در استمرار تجمعات مزبور و مصاحبه با خبرگزاری های خارجی و روزنامه ها به منظور تحت فشار قرار دادن مسئولین و تحریک فرهنگیان از طریق ارائه گزارشات و آمار غیر واقعی و بزرگنمایی تجمعات غیر قانونی و اینکه تجمعات غیرقانونی از مصادیق بارز اقدام علیه امنیت کشور است و موجبات برانگیختن فرهنگیان و بی نظمی و اخلال در محیط های آموزشی می گردد و دیگر شواهد و قرائن موجود، بزهرکاریش محرز است لذا به استناد ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی به تحمل ۴ سال حبس محکوم که با توجه به وضعیت اجتماعی و سوابق زندگی وی به استناد بند (ب) ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی حبس صادره به مدت ۴ سال تعلیق می گردد.

دادگاه انقلاب که روزیکشنبه ۱۳۸۶/۸/۲۰ ساعت ۹ صبح آقای علی اکبری پرورش را احضار کرده بود. ایشان پس از حضور در شعبه ی مربوطه به: اقدام علیه امنیت ملی، شرکت در تجمع، تمرد از دستور پلیس متهم شد و از ایشان خواسته شده که آخرین دفاعیات خود را بنویسد، ایشان در آخرین دفاعیات خود ضمن رد همه ی اتهامات یادآور شد: "تجمع معلمان طبق اصل ۲۷ قانون اساسی کاملاً قانونی است." ایشان همچنین یادآور شده است: "رفتن به مجلس برای گفتگو با نمایندگان مردم امنیت کشور را به خطر نمی اندازد. او در پایان می گوید: "برخلاف ادعای دادگاه پیش از این در هیچ دادگاهی به من تفهیم اتهام نشده بود، زیرا دادگاهی برای تشکیل نشده بود و این نخستین دادگاه من بود." هوشنگ پوربابایی وکیل مدافع شش تن از معلمانی که پیش از این بازداشت و هم‌اکنون با قرارهای تأمین لازم آزاد هستند، از ارجاع پرونده چهار تن از موکلانش به دادگاه انقلاب خبر داد.

هوشنگ پوربابایی گفت: در مراجعه‌ای که به دادسرای انقلاب داشتم، بنا به اظهار دادیار ویژه امنیت این دادسرا، برای چهار تن از موکلانم به نام‌های «محمدرضا رضایی گرگانی»، «علیرضا اکبری‌نبی»، «رسول بدیقی» و «حمید پوروثوق» قرار مجرمیت صادر شده که این قرارها پس از تأیید دادستان منجر به صدور کیفرخواست شده است. این پرونده‌ها در حال انجام تشریفات اداری جهت ارجاع به دادگاه انقلاب تهران است.

وی که وکالت «سیدعباس موسوی» و «میراکبر رییس‌زاده»، دو تن دیگر از این معلمان را نیز برعهده دارد، در مورد وضعیت پرونده موکلانش گفت: پرونده این معلمان نیز در مرحله اخذ آخرین دفاع است تا پس از آن، بازپرس قرار مقتضی را در این پرونده صادر کند.

در این روز دوم خرداد ۸۶ چهار نفر دیگر از معلمان ایلام حکم انفصال از خدمت داده شد و برای چهار نفر دیگر حکم صادر گردید. آقایان: مختار دوستی نیا، عبدالصاحب ناصری، مهدی مومنی، علی رحیمی اعضای مجمع صنفی معلمان ایلام برای مدت سه ماه حکم انفصال از خدمت دریافت نموده اند. رسول بدایعی عضو هیات مدیره ی کانون صنفی معلمان نیز به دادرسی عمومی و امنیت تهران فراخوانده شد. این در حالی است که نامبرده مدتی را در زندان اوین بسر برده و با قرار وثیقه آزاد شده است. آقای محمدعلی غلامی دبیر زبان انگلیسی ناحیه ی یک شهرستان کرج نیز به شرکت در تحصن و تشویق معلمان به اعتصاب متهم و احضار گردید. چند روز بعد نیز در روز سه شنبه ۸/خرداد/۸۶ در پی احضاریه ی هیات بدوی سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، خانم مژگان دیباج، خانم شرافت و آقایان: حمید مجیری، عبدالرسول عمادی، ستارزارعی و نورالله برخوردار احضار شدند. حمید پور وثوق معاون هیات مدیره ی کانون صنفی معلمان ایران هم به دادگاه عمومی و انقلاب تهران فراخوانده شد. آقای حمید پور وثوق معاون دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران نیز به تازگی پس از هفته ها زندانی با وثیقه آزاد شده بود و حکم انفصال از خدمت دریافت نموده بود. با این حال مجدد احضار شد. آقای مختار اسدی فرزند حسن دبیر متوسطه ی شهرستان کرج به حکم هیات بدو سازمان آموزش و پرورش شهرستانهای تهران و با امضای آقایان: قربانی، طورانی و پاریاب به خارج از استان تهران تبعید شد. در خمینی شهر اصفهان به تاریخ ۲۸ تیر ماه ۸۶ یکی از معلمین فعال در این شهر توسط هیئت بدوی دادگاه حکم اخراج گرفته است. در پی تعلیق و تبعید معلمین در شهر زنجان و ابهر این بار به معلمین حکم اخراج داده اند. در شهرستان بانه نیز در تاریخ ۴ مرداد ۸۶ دو دبیر دبیرستان های این شهر به نام های سیامک مرادی دبیر زبان و ادبیات فارسی و لقمان صداقت دبیر ریاضی از کار بر کنار شدند. در طول سال تحصیلی اخیر چهار نفر از دبیران این شهرستان اخراج شده اند. این اخراج ها با هماهنگی اداره اطلاعات این شهرستان و نیز هسته گزینش آموزش و پرورش کردستان انجام شده است. محمد خاکساری؛ مدیر مسئول نشریه قلم معلم و همسرش نیز در حال حاضر با سپردن ۱۵۰ میلیون تومان وثیقه آزاد هستند. خاکساری درباره قرارهای صادر شده به معلمان گفت: گروهی مانند من و همسر من با سپردن وثیقه آزاد هستند، گروه دیگر فیش حقوقی معادل ۹ میلیون تومان اعتبار سپرده اند که در حدود ۶۸ نفر هستند و ۳۵ نفر نیز در شهر های مختلف وثیقه های سنگین سپرده اند. تهران ۲۳ مرداد ۸۶ نیز محمد قدیمی، معلم عضو کانون صنفی معلمان هم طی حکمی به پنج سال تبعید به استان خراسان جنوبی محکوم شد. همچنین عمادی و دیباجی دو معلم دیگری هستند که به شهر اراک و یک نفر به کهکیلویه و بویر احمد تبعید شده اند. از طرف دیگر به حکم دادگاه انقلاب اسلامی آقایان علی اکبر باغانی رئیس کانون صنفی معلمان ایران- تهران و نورالله اکبری عضو هیات مدیره ی این کانون هر کدام به ۵ سال حبس محکوم شدند. حبس نامبردگان برای مدت ۵ سال به تعلیق افتاد. جلسه ی رسیدگی به اتهامات علی پورسلیمان از متهمان پرونده سازمان معلمان نیز که قرار بود امروز در شعبه ی ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برگزار شود، تجدید و به وقت دیگری موکول شد. آقای رئوفی هم که ۱۸ سال سابقه کار در آموزش و پرورش داشته است، به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "عدم التزام و اعتقاد به دین اسلام" از کار بر کنار شده است.

"علی حشمتی"، "محمد توکلی"، "علی صادقی" هم پس از ۱۱ روز از بازداشتشان و "اسدالله جیرانی"، "جهانگیر سلطانی"، "کیومرث لرستانی" در روز هفتم بازداشتشان، با قرار کفالت از زندان آزاد شدند دلیل بازداشت نامبردگان

شرکت در اعتراضات صنفی معلمان ذکر شده است. رسول بُدّاقی عضو هیات مدیره ی کانون صنفی معلمان ایران- تهران به حکم هیات بدوی شهرستانهای استان تهران به دوسال کسر حقوق به میزان ۱ گروه شغلی (ماهانه ۴۵ هزار تومان) محکوم شد. همه ما باید به خاطر داشته باشیم که هنوز زخم «بازنشستگی اجباری» درمان نشده است، هنوز بار تبعید و انفصال روی دوشها سنگینی میکند، هنوز طعم تلخ اخراج و وثیقه را حس می شود. این برخورد ها تا امروز ادامه پیدا کرده و به هیچ وجه از شدت آن کاسته نشده است تا آنجا که طی روزهای بیست و هشتم مهر گذشته چند تن از فرهنگیان سنندج به نام های بهاءالدین ملکی، رامین زند نیا و حیدر زمان به حراست اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان احضار شدند. گفته می شود این افراد به علت فعالیت در انجمن صنفی معلمان سنندج و توزیع بیانیه این انجمن، به اداره کل آموزش و پرورش احضار شده اند آنچه که بیشتر از سایر عوامل معلمان کشور را وادار به اعتراضات کرده است؛ دستمزدهای پایین، دو شغله بودن، تورم و ... است. در اردیبهشت ماه وزارت رفاه خط فقر را در ایران؛ درآمد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان در ماه اعلام کرد.

در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۷ هم آقای اسماعیل شادی از دبیران مدرسه صلاح الدین ایوبی شهرستان کامیاران روز شنبه ۲۶/۲/۸۶ توسط اداره اطلاعات کرمانشاه بازداشت شد. وی همراه سه تن دیگر از بازداشت شدگان آقایان پرویز ستاری دانشجوی دانشکده فنی، خبات یوسفی دانشجوی رشته برق، هوشیار شابادی در اداره اطلاعات کرمانشاه و در سلول انفرادی نگهداری می شوند.

آقای حمیدرحمتی هم معلمی است که به حکم دادگاه اداری استان اصفهان به ۳ سال تبعید محکوم شده است. او فوق دیپلم آموزش ابتدایی است. نزدیک به ۱۴ سال است که معلم بوده، روزهای آخر شهریور به خاطر فریاد عدالت خواهی راهی دیار غربت شده. او را به روستای زرین آباد در ۲۰ کیلومتری شهر ساری استان مازندران فرستاده اند. حمید در باره ی آب هوای آنجا می گوید: "آب و هوای آنجا بسیار خوب است."

اوسط فصل زمستان در سال ۸۵ پنج تجمع آرام به منظور دستیابی به خواسته های صنفی از سوی فعالان کانون معلمان برگزار شد. به گفته ی اعضای کانون معلمان تعداد شرکت کنندگان در آخرین تجمع بالغ بر بیست هزار نفر بوده است.

پس از مذاکرات ناتمام کمیته منتخب معلمان با مسئولان وزارتخانه و در پی تجمع روز ۲۳ اسفند ۸۵ دست کم تعداد ۳۵۰ نفر از معلمان بازداشت و عده زیادی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. از این تعداد بالغ بر ۲۰۰ تن به بازداشتگاه منتقل و بجز ۳۵ تن باقی با قرار کفالت شخصی آزاد شدند. ۲۵ تن نیز در روزهای آینده با قرار کفالت آزاد شدند. ۱۰ نفر باقی مانده پس تحمل زندان انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین و در روز ۱۰ فروردین ماه ۸۶ با وثیقه های ۴۰، ۶۰ و ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شدند.

در تاریخ ۱۸ فروردین ۸۵ بیست و شش تن از معلمان شرکت کننده در جلسه کانون صنفی همدان با حمله نیروی انتظامی و بدون ارائه حکم ورود بازداشت شدند. تا ساعات پایانی همین روز ۱۹ نفر دیگر بازداشت و تعداد بازداشتی ها به ۴۵ تن می رسد. معلمان در حمایت از بازداشت شدگان از حضور در کلاس درس خودداری نمودند. در کرمانشاه نیز قبل از تعطیلات عید ۴ نفر از معلمان بازداشت شدند.

علی‌رضا هاشمی، دبیرکل سازمان معلمان ایران با حکم دادگاه انقلاب به سه سال حبس تعزیری محکوم شده است. وزارت آموزش و پرورش از معلمان شرکت کننده در تجمعات به هیأت رسیدگی به تخلفات شکایت نموده و تشکیل پرونده داده بود. حداقل برای ۲۲۰ نفر پرونده تشکیل و برای دست کم ۵۰ نفر منجر به صدور حکم بدوی شده است. از این تعداد دو نفر در اصفهان به نام‌های حمید مجیدی و سید مجتبی ابطی حکم احراج دریافت نموده‌اند. دو نفر نیز در شهرستان بانه از کار اخراج شده‌اند که اسامی آنان در دست نیست.

تعداد زیادی از معلمان به تبعید محکوم شده‌اند. عده‌ای از همدان به ایلام و خراسان شمالی، تعدادی از اصفهان به مازندران و کهگیلویه و بویراحمد و چندین نفر نیز از تهران به اسلامشهر و شهر ری تبعید شده‌اند.

تعدادی از معلمان به کسر حقوق به مدت یک سال محکوم شده‌اند. برخی نیز به بازنشستگی پیش از موعد به همراه کسر حقوق و تعداد زیادی به توبیخ با درج کتبی در پرونده و احکام سایرین تاکنون صادر نشده است.

تعداد بیست نفر از فعالین صنفی با استفاده از اختیارات مستقیم وزیر آموزش و پرورش به وضعیت آماده به خدمت درآمده‌اند و حقوق این افراد ظرف این مدت به کمتر از صد هزار تومان در ماه کاهش یافته است. این تعداد از حضور در مدارس نیز منع شده‌اند.

وزارت آموزش و پرورش همچنین با صدور حکم اداری برای حدود ۷۰۰ تن از معلمان این شهر آن‌ها را به کسر حقوق از ۱۲ تا ۲۰۰ هزار تومان به عنوان جریمه شرکت در تجمعات و تحصن‌ها محکوم نموده است.

تعدادی از مدیران آموزش و پرورش نیز که در زمان تحصن از ارسال اسامی متحصنین به حراست خودداری کرده‌اند مشمول عزل و جابجایی شده‌اند.

کانون صنفی معلمان همدان و کرمانشاه به دستور استانداری رسماً منحل اعلام شده‌اند. بعضی کانون‌ها مانند یزد و اردبیل به دلیل فشار شدید و تهدید اعضای هیأت مدیره فعالیت خود را متوقف نموده‌اند.

کانون‌های تهران، شیراز و اصفهان نیز تحت فشار بوده و حق برگزاری جلسات و صدور بیانیه را ندارند.

دفتر کانون صنفی معلمان تربت حیدریه نیز در هفته‌های گذشته مورد تعرض نیروهای حراست قرار گرفت و با شکستن قفل و ضبط وسایل دفتر، احمدی مسئول کانون برای مدتی بازداشت شد.

طی ابلاغیه‌ای از سوی وزارت کشور ۱۳ نفر از ۲۵ تن اعضای هیأت مدیره سازمان معلمان ایران فاقد صلاحیت اعلام شده و اجازه برگزاری انتخابات مجدد نیز به سازمان داده نشده است. در حالی که سازمان معلمان ایران تشکلی رسمی و دارای پروانه فعالیت است.

آخرین خبرهای به دست آمده از وضعیت و سرنوشت بازداشت فرزند کمانگر، عضو انجمن صنفی معلمان استان کردستان و دو تن از همکاران او با نام‌های فرهاد وکیلی و علی حیدریان حاکی از آن است که هر سه نفر علاوه بر اینکه تحت فشارها و شکنجه‌های شدید جسمی قرار گرفته‌اند، هنوز در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند.

فرزند کمانگر سال گذشته در منزل شخصی خود توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی دستگیر و به مکان نامعلومی انتقال داده شد. دست کم ۴ ماه هیچ‌کس از محل نگهداری و علت دستگیری وی اطلاعی بدست نیاورد. با گذشت بیش از ۴ ماه خانواده او با مراجعه‌های پی‌درپی به مراکز قضائی و امنیتی شهرهای کامیاران، سنندج و کرمانشاه سرانجام دریافتند که وی را به همراه دو معلم دیگر بازداشت شده به بند ۲۰۹ زندان اوین تهران انتقال داده‌اند. آقای

مهرداد کمانگر برادر فرزاد کمانگر معلم کرد که ماه ها توسط تیم های بازجویی شهر های مختلف تحت شدید ترین شکنجه ها قرار گرفته بود ظهر ۲۶ مهر ماه ۸۵ برای پیگیری وضعیت برادرش به دادستانی سنندج (امجدیان) مراجعه نمود ، امجدیان در پاسخ به سوال مهرداد کمانگر به وی گفته است هر وقت برادرت را کشتیم به شما خبر میدهم که این جمله موجب مشاجره لفظی وی با دادستان شد که در نهایت پس از ساعاتی بازداشت وی در دادستانی او را به مامورین وزارت اطلاعات تحویل دادند.

لازم به ذکر است بسیاری از معلمانی که عضو انجمن صنفی نبوده اند در صورت برخورد و بازداشت اخبار آن انعکاس پیدا نکرده است و در بی خبری و وضع نگران کننده ای به سر می برند.

اعتراضات معلمان در راستای تمرین حق مسالمت‌آمیز تشکل‌ها در ابراز مخالفت و نافرمانی مدنی به منظور دستیابی به خواسته‌های صنفی انجام پذیرفته و برخورد امنیتی و مغرضانه با آن نقض صریح حقوق افراد و تشکل‌ها محسوب می‌شود. دیده بان حقوق بشر ، چیزی که در این میان بیشتر از همه جلب توجه می کند این است که اکثر این معلمان عضو انجمن صنفی معلمان بوده اند و به هیچ وجه از خواسته های صنفی خود فراتر نرفته اند و بصورت خود سرانه هم اقدام به فعالیت نکرده اند و اکثر تجمعات و اعتراض ها زیر نظر انجمن صنفی برگزار شده است.

سازمان دیده بان حقوق بشر فعال در ایران ضمن محکومیت برخورد های اخیر با معلمان و بازداشت ، شکنجه و زندان آنها و اعمال فشار مضاعف و سرکوب فعالان جامعه مدنی، خواستار توقف این روند و توجه هر چه بیشتر به خواسته‌های آنان است و با تمام توان توجه کلیه ی مجامع حقوق بشر و سازمان ها و خبرگزاری های مستقل را به طیف بسیار گسترده و نگران کننده ی این برخوردها جلب کرده و تقاضا دارد از همه ی ابزارهای خود برای فشار آوردن به حکومت ایران برای آزادی این قشر کم توقع و زحمت کش استفاده کنند، چرا که حجم بسیار زیاد این برخوردها بسیار نگران کننده است و در نوع خود تقریبا بی سابقه بشمار می آید.

درفش کاویانی

بیست و هفتم آذر ۱۳۸۶